

یازده) نظریه مرحوم خویی:

مرحوم خویی در بحثی مفصل درباره مفهوم شرط ابتدا اشاره می‌کنند که تنها با پذیرش مبنای شخصی ایشان درباره وضع (که قائل به این بودند که وضع عبارت است از تعهد متکلم به اینکه هر گاه خواست معنایی را بیان کند از لفظی خاص بهره بگیرد) و همچنین مبنای ایشان درباره انشاء (که قائل بودند متکلم متعهد است که هر گاه می‌خواهد خبر دهد از خبر استفاده می‌کند و هر گاه می‌خواهد چیزی را انشا کند، از صیغه انشا استفاده می‌کند)^۱ می‌توان به مفهوم شرط قائل شد و بر اساس مبنای مشهور در «وضع و انشاء»، چنین امری ممکن نیست. ایشان در تعریف مفهوم شرط بر اساس مبنای خود می‌نویسد:

« فقد ذكرنا في بحث الإنشاء و الاخبار ان الجملة الخبرية موضوعة للدلالة على قصد المتكلم الحكاية و الاخبار عن ثبوت النسبة في الواقع أو نفيها عنه »^۲

توضیح:

جمله خبریه وضع شده است تا دلالت کند بر اینکه «متکلم قصد کرده است که از ثبوت یا نفی نسبتی حکایت کند».

ما می‌گوییم:

۱. پس مشهور می‌گویند جمله خبریه، حکایت می‌کند از نسبت خارجی در حالیکه مرحوم خویی می‌گویند جمله خبریه، حکایت می‌کند از اینکه متکلم قصد داشته که از این نسبت خارجی خبر دهد. و همچنین جمله انشائی در نظر مشهور نسبت اعتباری را ایجاد می‌کند، در حالیکه مطابق نظر مرحوم خویی، جمله انشائی، حکایت می‌کند از اینکه متکلم، چیزی را اعتبار کرده است.

۲. مرحوم خویی مدعی است که چون طبق نظر مشهور جمله انشایی ایجاد اعتبار می‌کند، پس ایجاد یک اعتبار نافعی اعتبارات دیگر نیست (پس جمله انشایی مفهوم ندارد) و جمله خبری هم حکایت از وجود یک نسبت واقعی می‌کند و اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند. پس مبنای مشهور نمی‌تواند مثبت مفهوم باشد.

۳. مرحوم خویی از این مطلب نتیجه می‌گیرند که:

« من هذا البيان قد ظهر أمران: (الأول) أنه بناء على ضوء نظريتنا في باب الوضع لا يمكن وضع الجملة الخبرية للدلالة على ثبوت النسبة في الواقع أو نفيها عنه (الثاني) تعين وضعها للدلالة على إبراز قصد الحكاية و الاخبار عن الواقع نفيًا أو إثباتًا و نتيجة هذا أن الجملة

۱. ن ک: الافادات و الاستفادات، ج ۱، ص ۵۶۶، ۲۲۹؛ محاضرات، ج ۱، ص ۸۸، ص ۴۵

۲. محاضرات، ج ۵، ص ۷۲



الخبرية بمقتضى تعهد الواضع بأنه متى ما قصد الحكاية عن ثبوت شيء في الواقع أو نفيه عنه أن يتكلم بها تدل على أن الداعي إلى إيجادها و تحققها في الخارج ذلك، و عليه فبطبيعة الحال تكون الجملة بنفسها مصممة للحكاية و الاخبار .

ثم أن هذه الدلالة لا تنفك عن الجملة أبداً حتى فيما إذا لم يكن المتكلم في مقام التفهيم و الإفادة في الواقع ما لم ينصب قرينة على الخلاف في مقام الإثبات^١

توضیح:

١. با توجه به مبنای ما معلوم شد که:
٢. اولاً: جمله خبریه دلالت ندارد بر اینکه «نسبت بین موضوع و محمول در عالم خارج برقرار است» [بلکه دلالت دارد بر اینکه «متکلم قصد کرده است که چنین نسبتی را حکایت کند»]
٣. و ثانیاً: جملات خبریه فقط برای دلالت بر «قصد متکلم نسبت به حکایت» وضع شده‌اند.
٤. پس هرگاه جمله خبریه ای از متکلم شنیده شد، چون متکلم هرگاه قصد حکایت داشته باشد، از این جمله خبریه استفاده می کند، پس معلوم می شود که انگیزه او از بیان این جمله، قصد حکایت گری بوده است.
٥. و مادام که قرینه‌ای برخلاف این قصد، موجود نباشد، جمله خبری تنها دلالت بر «قصد متکلم نسبت به حکایت از نسبت واقع» دارد.

